

رویه قضایی



بررسی

مرور زمان افترا

در

سابقه قضایی ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

علی اصغر شریف

مستشار دیوان عالی کشور

در این مقاله بحث درباره مرور زمان افترا، شروع افترا و پیدایش

آنست .

قبلا حکمی که از دادگاه استان اصفهان در این خصوص صادر

شده درج و بدنبال آن حکم شعبه هشت دیوان عالی کشور را نقل می نمایم
و این مطلب را با اقتراح دانشمندان و حقوقدانان قرار می دهیم .

حکم دادگاه استان اصفهان :

« از مذاقه در مواد ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون
مجازات عمومی استفاده می شود که تاریخ وقوع بزه
افترا همان زمان اسناد است؛ نهایت شرط مجازات مفتری
عجز از اثبات امور منتسبه است و چون در مورد حاضر
فاصله شکایت شاکی از زمان نسبت دادن متهم بیش از سه
سال است ، مشمول مرور زمان می باشد و بدین جهت قرار
موقوفی استوار می گردد .»

حکم شماره $\frac{۳۷۸}{۴۵/۱/۳۷}$ شعبه ۸ دیوان عالی کشور:

چون تحقق جرم افترا در صورت اسناد صریح
از طرف کسی بدیگری با سوء نیت معلق با حراز کذب تهمت
و عدم ثبوت عمل اقتصابی در مراجع قضایی است که در این
مورد اسناد دهنده مفتری و به مجازات مقرر در قانون محکوم
می شود ، بنا بر این شروع مرور زمان جرم ارتكابی طبعاً
از تاریخ قطعیت عجز از اثبات اسناد و ثبوت کذب شکایت
شاکی است ، نه صرف اعلام شکایت و اسناد جرم . بنا بر -
این قرار ممنوعه موجه نیست و بانقض آن رسیدگی بشعبه
صادر کننده قرار ارجاع می شود که با احراز مراتب بالا
بوظایف خود قیام و اقدام نماید «

اما مواد مورد استناد عبارتست از :

ماده ۲۶۹ قانون مجازات عمومی: «هر کس بوسیله

اوراق چاپی یا خطی یا بوسیله انتشار اعلان یا اوراق مزبوره

یا بوسیله نطق در مجامع بیک یا چند نفر امری را صریحاً نسبت دهد که مطابق قانون مجازات آن امر جنبه یا جنایت محسوب شود، مقتری محسوب خواهد شد. مشروط بر اینکه نتواند صحت آن استناد را ثابت نماید.»

ماده ۲۷۰ ق.م.ع.: «در صورتی که اسناد دهنده صحت امور منتسبه را در محکمه صالحه ثابت نماید، از مجازات معاف خواهد بود والا مقتری است.»

ماده ۲۷۱ ق.م.ع.: «در صورتی که استناد دهنده نتوانسته استناد را ثابت نماید، مقتری محسوب و مجازات او حبس تادیبی از یک ماه الی یک سال و تأدیة ۲۰ الی پنجاه تومان غرامت و بایکی از این دو مجازات است.» البته در خرداد ۱۳۱۳ ماده ۲۶۹ مکرر وضع شده که تکلیف مرور زمان در خود ماده ذکر شده است و در بند الف چنین متذکر است: «اگر کسی بقصد متهم نمودن غیر آلات و ادوات جرم و یا اشیای حاصله از آن و یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می گردد، بدون اطلاع آن شخص در منزل یا دکان یا مغازه و یا جیب و اشیایی که متعلق باوست، بگذارد یا مخفی کند و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از ثبوت برائت آن شخص مرتکب بطریق ذیل مجازات خواهد شد...»

بطوری که ملاحظه می فرمایید «پس از ثبوت برائت» ابتدای پیدایش جرمی است که مجازات آن بشرح فوق مقرر گردیده، ولی در افترا در خود مواد ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ چنین وضعی مشاهده نمی شود.

در کتاب ترمینولوژی تالیف آقای دکتر جعفری لنگرودی چنین

آمده:

افترا جرمی است که عناصر آن عبارت است از:

۱- اسناد امری بکسی برسبیل حکایت؛ بنابراین اگر کسی به قصد انشای هتك حرمت بکسی بگوید «ای دزد»، مشمول افترا نیست.

۲- امری که اسناد داده می‌شود، جنایت باشد یا جنحه. اسناد

باید صریح و نسبت بیک یا چند نفر معین باشد، ولی تصریح با اسم ضرورت ندارد.

۳- قصد اضرار به معنی علیه. بنابراین صرف قصد در اسناد امر

مذکور کافی نیست. پس شکایت به محاکم مصداق افترا نیست.

۴- اسناد امور مذکور بیکی از طرق مذکور در قانون باشد،

یعنی بوسیله اوراق چاپی یا خطی یا بوسیله انتشار اعلان یا بوسیله نطق در مجامع باشد.

۵- اسناد دهنده اگر صحت امور منتسبه را در دادگاه صلاحیتدار

اثبات کند، از مجازات معاف است. بنابراین اثبات آن در دادگاه از عناصر جرم افترا نیست، بلکه از موجبات معافیت از مجازات است.

حال باید دید، اگر اثبات امر انتمسابی از عناصر جرم افترا نباشد،

تاریخ شروع جرم افترا از چه زمانی است. و اگر اثبات امر از موجبات معافیت باشد، قضیه را باید بچه صورت تصویر کرد و حکم نمود؟

در امر افترا قانونگذار تکلیف شاکی و مشتکی عنه را بنا بر شرایط

مذکور در قانون معلوم داشته، ولی موضوع مرور زمان آنرا واضح نساخته است.

هم‌اکنون باین نقیصه یا باین اجمال قانونی توجه نموده و بینم آیا هر کس

شکایتی نزد قاضی تحقیق برد، بلافاصله طرف که از شکایت شاکی خبردار

می‌شود، باید درخواست افترای خود را تقدیم دارد و موضوع بصورت اناطه

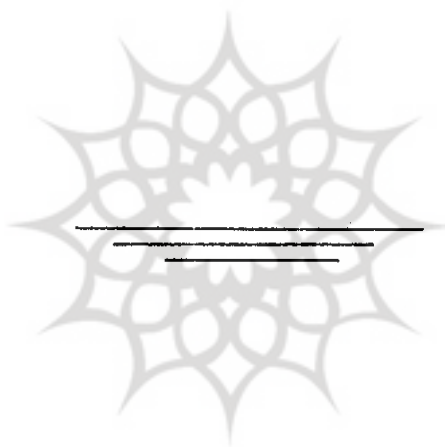
امر کیفری به کیفری معطل بماند! چه طور ممکن است مشتکی عنه از شکایتی که برضد او جریان پیدا کرده، مستحضر شود؟ چه بسا جمع-آوری دلایل دعوی سه سال طول بکشد تا او را احضار کنند یا در مقامات کیفری قضیه سالها در جریان رسیدگی باشد. باید حق افترای شاکی اقترا بعلت حصول هر روز زمان ساقط شود؟ تازه وقتی شاکی اقترا پس از چندی در مقام شکایت بر آمد، آیا مفتتری یا مشتکی عنه نمی تواند مدعی شود که موضوع را با اثبات می رسانم؟ آیا قضیه وقتی منتهی بمنع تعقیب شد و این منع تعقیب قطعیت حاصل کرد، طرف ادعای می تواند دعوی خود را بعنوان اینکه من دعوی خود را ثابت خواهم کرد، مجدداً طرح کرده در مقام شکایت بر آید؟

با وجود اینکه بر طبق بند دوم ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری که می نویسد، «هر گاه دادگاه استان بعلت عدم کفایت دلیل رای بر منع تعقیب متهم صادر نماید، متهم را دیگر نمی توان بهمان اتهام تعقیب کرد، مگر بعد از کشف دلایل جدید که در این صورت فقط برای يك مرتبه می توان متهم را با اجازه دادگاه استان مجدداً تعقیب کرد.» فقط يك بار شخص می تواند با اجازه دادگاه استان شکایت خود را که قبلاً بعلت فقد دلیل صادر شده، تجدید کند؛ به این معنی که اثبات امر کیفری برای معافیت از مجازات است، اجازه مجددی نیست که قانونگذار در ورای اختیار ماده ۱۸۰ قانون مزبور بطرف جرم اقترا داده است! یعنی به بهانه ثبوت دعوی اصلی نمی توان متوالیاً بشاکی این مصونیت و اختیار رداد که مشتکی عنه را در مضیقه رسیدگی و پیچیدگیهای قضایی قرار داده همواره او را در دلهره و اضطراب نگاهدارد.

خلاصه اثبات حقیقت موضوع تنها يك بار امکان دارد، و لو اینکه حقیقت موضوعی متضمن منافع یا مصلحت عامه هم باشد. چه آنکه از نتیجه این عمل، بحسن شهرت اشخاص زیانهای وارد می شود که معذرت خواهی

یا توبه هم نمی‌تواند جلوی لکه‌دار شدن اجتماعی متضرر از جرم را بگیرد.

و این است که بنظر ما مرور زمان افترا همان‌طور که شعبه هشت دیوانعالی کشور اظهار نظر کرده، « از تاریخی شروع می‌شود که متهم از اثبات اسناد عاجز بماند و این عمل هم قطعیت پیدا کند».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی